

خبر

ملاقات مجدد صالحی امیری با شیخ احمد ایران میزبان نشست هیئت اجرایی OCA شد

● ایران میزبان نشست هیئت اجرایی شورای المپیک آسیا شد. به گزارش کمیته ملی المپیک، رئیس کمیته ملی المپیک کشورمان در حاشیه بازی‌های المپیک جوانان بوئنس آیرس با رئیس شورای المپیک آسیا و رئیس کمیته‌های ملی المپیک دنیا دیدار و گفت‌وگو کرد.
شیخ احمد الفهد الصباح از حضور فعال صالحی‌امیری در مناسبات و تعاملات بین‌المللی ورزشی تقدیر و تشکر کرد و گفت: گزارش دیدار شما با رئیس اتحادیه جهانی کشتی، رئیس کمیته بین‌المللی المپیک و معاونانش و همچنین پیگیری دیدار باخ با روحانی به دستم رسید که بابت این فعالیت‌های مثبت و آینده‌ساز شخصاً از شما تشکر می‌کنم. وی ادامه داد: باید اعلام کنم که همین نشست‌هاست که پایه بسیاری از مناسبات سازنده و توسعه‌ای را در ورزش دنیا شکل می‌دهد. این را هم بدانید که ANOC، OCA، شخص بنده قدرتمندتر از قبل در کنار شما و ورزش ایران به عنوان یک حامی جدی خواهیم بود. صالحی‌امیری نیز ضمن تقدیر و تشکر از شیخ احمد به مناسبت برپایی این نشست، خواستار حفظ شرایط موجود و افزایش کرسی‌های ایران در شورای المپیک آسیا شد که شیخ در این زمینه قول مساعد و هماهنگی مجموعه‌ها شورا را اعلام کرد.
در ادامه نشست، شیخ احمد از قبولی و موافقت میزبانی نشست بزرگ هیئت اجرایی شورای المپیک آسیا OCA از سوی ایران در یکی از شهرهای کیش با اصفهان خبر داد که زمان آن بعد از برپایی انتخابات OCA و با عنوان اولین نشست اجرایی باشد. بحث پایانی این نشست نیز موضوع قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان و کناره‌گیری برخی رؤسای فدراسیون‌ها بود که بعد از گزارش صالحی امیری، شیخ احمد در این زمینه تأکید کرد با توجه به پارلمانی بودن این تصمیم، اگر در انتخاب رئیس جدید مراحل قانونی نهادهای بین‌المللی ورزش رعایت شود و فرد جدید در سیستم کاملاً دموکراتیک و از سوی مجمع عمومی فدراسیون به‌عنوان بالاترین نهاد انتخاب شود مشکل خاصی نخواهد داشت.

قضاوت داور ایرانی در رقابت‌های والیبال باشگاه‌های جهان

● فدراسیون جهانی والیبال از «فرهاد شاهمیری»، داور بین‌المللی ایران، به منظور قضاوت در رقابت‌های باشگاه‌های جهان دعوت به عمل آورد. به گزارش فدراسیون والیبال، فرهاد شاهمیری که تجربه قضاوت در بازی‌های المپیک، مسابقات قهرمانی جهان، رقابت‌های لیگ ملت‌ها، لیگ جهانی و آسیایی را در کارنامه خود دارد، از سوی فدراسیون جهانی والیبال برای قضاوت در رقابت‌های باشگاه‌های جهان برگزیده شد و در این مسابقات داورى خواهد کرد. این در حالی است که شاهمیری هم‌اکنون در ژاپن حضور دارد و مسابقات قهرمانی بانوان جهان را قضاوت می‌کند. وی همچنین در مسابقات قهرمانی باشگاه‌های جهان در کشور چین حاضر خواهد شد تا نماینده داورى ایران در این مسابقات باشد. شاهمیری دبیر کمیته داوران فدراسیون والیبال است.

بازی‌های پارآسیایی ۲۰۱۸ ایران ۲۳ مداله شد

● ایران در سومین روز از بازی‌های پارآسیایی تاکنون ۲۳ مدال به دست آورده است. سومین دوره از بازی‌های پارآسیایی ۲۰۱۸ به سومین روز خود رسید و ایران اکنون صاحب ۹ مدال طلا، شش نقره و هشت برنز شده است.

مدال آوران طلای ایران در سومین دوره بازی‌های پارآسیایی جاکارتا

- شاهین ایزیدار (شنا/ ۱۰۰ متر پروانه)
- عرفان سیفی‌پور (دوومیدانی/ پرتاب نیزه)
- ساره جوانمردی (تیراندازی/ ۵۰ متر خفیف)
- فری شجاعی (تیراندازی/ تفنگ بادی)
- علیرضا قلعه‌نصری (دوومیدانی/ پرتاب دیسک)
- شاهین ایزیدار (شنا)
- امیر جعفری (وزنه‌برداری)
- عذرا مهدوی‌کیا (دوومیدانی/ ۱۵۰۰ متر)
- وحیدعلی نجمی (دوومیدانی/ ۲۰۰ متر)

مدال طلای بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن بالاخره به سعید محمدپور رسید. کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) بعد از شش سال اعلام کرده، با بررسی نمونه‌های مجدد وزنه‌برداران دسته ۹۴ کیلوگرم این بازی‌ها، برای آنها محرز شده که چهار ورزشکار نخست این رقابت‌ها دوپینگی بوده‌اند و مدال طلا به نفر پنجم تعلق خواهد گرفت. پیش از این دو سال پیش بود که فدراسیون جهانی وزنه‌برداری برای اولین‌بار اعلام کرد، وزنه‌برداران رده‌های اول تا چهارم المپیک ۲۰۱۲ لندن دوپینگی هستند.

این فدراسیون همچنین گفته بود بدون‌شک نتیجه آزمایش‌های جدید، نقرات برتر این بازی‌ها را مشخص می‌کند و در صورت مثبت‌شدن دوباره نمونه‌های چهار نفر اول، مدال به نفر پنجم خواهد رسید. نفر پنجم این بازی‌ها هم کسی نبود جز وزنه‌بردار محبوب اردبیلی، محمدپور در حالی در دو سال گذشته امیدوار به کسب مدال طلا بود که حالا خبر می‌رسد، قهرمان واقعی المپیک ۲۰۱۲ لندن او بوده است. محمدپور در شرایطی می‌توانست در اوج جوانی در رقابتی سالم، سکوی قهرمانی بزرگ‌ترین رویداد ورزشی دنیا را از آن خود کند که قربانی نایاک‌ترین رقابت تاریخ بازی‌های المپیک شد؛ میدانی که هنوز که هنوز است بعد از گذشت شش سال از برگزاری آن هر روز آمار تازه‌ای از وزنه‌برداران دوپینگی آن منتشر می‌شود. در بین این اسامی، سرشناس‌ترین ورزشکاری که نمونه دوپینگ او مثبت اعلام شد، ایلیا ایلین، وزنه‌بردار قزاقستانی، است که تمام رکوردهای دوزرب و مجموع اوزان ۸۵ و ۹۴ کیلوگرم را در اختیار داشت و لقب ستاره دست‌نیافتنی را به او داده بودند. او که طلای المپیک‌های ۲۰۰۸ پکن و ۲۰۱۲ لندن را به‌اضافه چهار طلای جهانی در کارنامه داشت، حالا به جرم استفاده از داروهای ممنوعه به پس‌دادن مدال‌هایش محکوم شده است. او باید مدال‌های هر دو المپیک را بازگرداند، چراکه در آزمایش او استفاده از موادی مانند استانوزولول در بازی‌های ۲۰۰۸ پکن و مواد تورینابول و استانوزولول در بازی‌های ۲۰۱۲ لندن مسجل شده است.

کوروش باقری، مرد پرافتخار وزنه‌برداری ایران

در شبی که فدراسیون جهانی وزنه‌برداری قهرمانی ایلیا را در لندن برجسته کرد، محمدپور با چشمانی اشک‌بار در جمع خبرنگاران گفت: «همه توانش همین بود و زورش بیشتر از این به رقیبا نرسید». سعید حتی نمی‌توانست تصورش را هم بکند که روزی ورق برگردد و این چنین از او به‌عنوان یکی از برترین پولادمران جهان اسم بیرون.

ورزش

عنوان پنجمی محمدپور در المپیک ۲۰۱۲ تبدیل به طلا شد

گنجینه‌ای که بعد از ۶ سال به ایران برگشت

در آن شب از ۱۰ نفری که در گروه اول دسته ۹۴ کیلوگرم وزنه زدند، فقط سه نفر پاک بودند؛ سعید، ورزشکار کره‌جنوبی و یک لهستانی. مدال‌های نقره و برنز نیز به‌ترتیب به این دو نفر تعلق خواهد گرفت، اما این تنها سعید محمدپور نبود که قربانی رقابت ناسالم وزنه‌برداران حاضر در بازی‌های المپیک لندن شد. پیش از این نیز کیانوش رستمی که در دسته ۸۵ کیلوگرم مدال برنز این بازی‌ها را به دست آورده بود، به دلیل دوپینگ «آپتی آتوکادوف»، وزنه‌بردار روس (نفر دوم)، به مدال نقره رسید. وزنه‌برداری ایران در المپیک لندن با مدال‌های طلا و نقره بهداد سلیمی و سجاد انوشیروانی، نقره نواب نصیرشلال و برنز کیانوش، بهترین نتیجه تاریخ خود در این بازی‌ها را در آن مقطع به دست آورد و شبی به‌یادماندنی را پشت‌سر گذاشت، اما ای کاش این بی‌عدالتی‌ها و ناجوانمردی‌ها نبود تا عیار کوروش باقری، این مرد پرافتخار بیشتر از قبل بر همه عیان می‌شد. بدون‌تردید باید لقب پرافتخارترین مربی وزنه‌برداری ایران را به کوروش داد؛ مردی که هم از لحاظ مرغوبیت و هم تعداد مدال بهترین کارنامه را دارد.

باقری به «شرق» می‌گوید: «درست است که شش سال از این بازی‌ها گذشته، اما خوشحالم که سعید به حشش رسیده است. ممکن است این مدال طلا شیرینی خودش را برای سعید نداشته باشد، اما اینکه حق به حق‌دار رسیده مهم است. اینکه مشخص شده او در یک جنگ نابرابر به مضاف رقابیش رفته مهم است».

سکوت در برابر قهرمان

سعید محمدپور اما در حالی بعد از کشمکش‌های فراوان توانسته حقایقت خود را در کمیته بین‌المللی المپیک و فدراسیون جهانی اثبات کند که در سکوت مطلق به این مدال طلای ارزشمند رسید. در شرایطی که سایت فدراسیون جهانی نام او را به‌عنوان نفر اول دسته ۹۴ کیلوگرم بازی‌های المپیک لندن منتشر کرده، اما این موضوع رسماً از سوی فدراسیون وزنه‌برداری و کمیته ملی المپیک ایران اطلاع‌رسانی نشده است. محمدپور که از این اتفاق گله‌مند است، می‌گوید: «حدود ۱۰ روز پیش آقای شهنازی، دبیرکل کمیته ملی المپیک، به من اطلاع داد که تأییدیه قهرمانی‌ام در المپیک لندن از سوی IOC ارسال شده و سه راه پیش‌روی ما قرار دارد تا مدال طلایم را بگیرم. اما متأسفانه روی این خبر کار نشد. من توقع داشتم‌که خبرگزاری‌ها و سایت فدراسیون وزنه‌برداری و کمیته ملی المپیک این خبر را رسانه‌ای کنند، اما نمی‌دانم چرا این کار انجام نشد. شاید برای کسانی که از وزنه‌برداری سرشته ندارند، این‌طور به نظر بیاید که مدال

من شانسى بوده، اما کسانی که از وزنه‌برداری سرشته دارند، می‌دانند که رقابت در دسته ۹۴ کیلوگرم المپیک لندن به چه صورت بود و واقعا حق من بود که به این مدال برسم».
کمیته بین‌المللی المپیک سه راه پیش‌روی ایران قرار داده تا مدال طلای سعید محمدپور به او اهدا شود؛ اول اینکه مدال را به ایران بفرستند و مسئولان ورزشی همین‌جا در مراسمی مدال طلای المپیک را به این وزنه‌بردار اهدا کنند. دوم اینکه در کمیته بین‌المللی المپیک مراسمی برگزار کنند و مدال را به محمدپور بدهند. سومین راه هم این است که در یک مسابقه بین‌المللی این مدال به محمدپور اهدا شود. فدراسیون پیشنهاد سوم را پذیرفته است. قرار است سعید اواخر ماه همراه تیم ملی به رقابت‌های قهرمانی جهان ۲۰۱۸ ترکمنستان برود و در حاشیه این مسابقات مدال تلایش را تحویل بگیرد.

محمدپور: حقم را بدهید

بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ از نظر مدالی فرجامی خوش برای ایران داشت. اما باید دید آیا حالا که سال‌ها از این رویداد گذشته، مسئولان آن‌طور که باید تلاش‌های محمدپور را از ج می‌نهند یا خیر. سعید حالا طلای المپیک است، اما فعلاً رایلی از مواهب المپیک نصیبش نشده است. نه از هیچ‌یک از پاداش‌هایی که زندگی هم‌تیمی‌هایش را هم متحول کرده بود، خبری بود و نه از ۱۵۰ سکه‌ای که به طلایی‌های این بازی‌ها دادند. محمدپور دراین‌باره به ایستنا می‌گوید: «در بازی‌های المپیک لندن، ورزشکاران کشورهای دیگر حقم را خوردند، اما انتظار دارم در کشور خودم حقم را به من بدهند. در آن سال جوایز متعددی علاوه‌بر سکه‌هایی که تصویب شده بود، به قهرمانان المپیک داده شد، اما من انتظار دارم حداقل همان تعداد سکه‌ای را که به قهرمانان المپیک لندن دادند، به من هم بدهند. من یک ریال بیشتر از حقم نمی‌خواهم. درست است که مبلغ سکه بالا رفته، اما مثلاً اگر بخواهند ۲۰۰ سکه را به قیمت همان سال حساب کنند و معادل رایلی آن را به من بدهند، به اندازه برنز بازی‌های آسیایی می‌شود. به‌هرحال مدال طلای المپیک افتخاری برای ایران است و انتظار دارم که حقم را به من بدهند تا انگیزه‌ای شود که بتوانم دوباره به میادین قهرمانی برگردم».
طلای سعید محمدپور حالا افتخارات کاروان ورزش ایران را در بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ تکمیل کرده است؛ بازی‌هایی که بهترین حضور ورزش کشور در آن رقم خورد. ایران پیش از طلای محمدپور با چهار طلا، شش نقره و دو برنز در رده هفدهم این بازی‌ها قرار داشت که حالا با احتساب یک طلای دیگر به رده ۱۵ می‌رسد.



عکس:GettyImages

تکرار «مرگ تدریجی یک رؤیا» برای سیدحسین حسینی!

سپهر خرمی

حسینی که از زمان حضور علیرضا منصوریان به استقلال آمد، جای پای خود را با مربیگری شرف محکم کرد و موفق شد با ۸۷۲ دقیقه بسته‌نگه‌داشتن دروازه رکورد کلین‌شیت ایران را به نام خود ثبت کند اما همه چیز یکباره برای حسینی تغییر کرد. شاید تلخ‌ترین روز زندگی حسینی نه به‌خاطر مصدومیت بلکه به درحال‌حاضر نمی‌توان به شفر ایراد گرفت چراکه هفته بیست‌وچهارم فصل قبل مقابل فولاد در اهواز برمی‌گردد که با تشخیص داور بابت وقت‌کشی کارت زرد دریافت کرد و داریی را از دست داد. رحمتی هم فرصت را غنیمت شمرد تا پس از مدت‌ها بتواند بار دیگر توانایی‌هایش را به معرض نمایش بگذارد. گلری که در زمان منصوریان در آستانه جدایی از استقلال قرار داشت، یکباره در داریی سنتی پایتخت نفر شماره یک تیمش شد. رحمتی بعد از داریی هم در بازی مقابل نفت تهران در دروازه استقلال تهران ایستاد و بعد از آن بازی بود که سه بازی پیاپی در لیگ برتر حسینی دروازه‌بان استقالی‌ها بود. شفر که دو دروازه‌بان خوب در تیم خود داشت، اعلام کرد به خاطر اینکه رحمتی از آمادگی دور نباشد، او را در بازی‌های جام حذفی بازی می‌دهد. اما سرمربی آلمانی به وعده خود عمل نکرد و علاوه بر اینکه رحمتی را در جام حذفی به میدان فرستاد، در مرحله یک‌هشتم پیاپی لیگ قهرمانان مقابل ذوب‌آهن نیز حسینی را از ترکیب اصلی بیرون گذاشت تا جو به هم بریزد و اولین جرقه اعتراضی از حسینی روشن شود.

حسینی که با عملکرد قابل‌قبول خود موفق به جلب رضایت کارلوس کی‌روش شده بود، در آستانه جام جهانی به دلیل نیمکت‌نشین‌بودن در تیم باشگاهی از لیست مسافران جام جهانی روسیه خط خورد. حالا تاریخ برای او در حال تکرار شدن است و قعلاً به تیم ملی ایران دعوت شده و در

تازه‌ترین اسامی دعوت‌شدگان نیز حضور دارد اما بعید به نظر می‌رسد با ادامه این روند، او جایی در بین دعوت‌شدگان نهایی جام ملت‌های آسیا داشته باشد؛ درحالی‌که او باید با دروازه‌بانانی رقابت کند که تجربه حضور در جام جهانی را دارند و این مسئله می‌تواند بر تصمیم نهایی کی‌روش نیز اثرگذار باشد. درحال‌حاضر نمی‌توان به شفر ایراد گرفت چراکه رحمتی در ۱۱ بازی آخری که در لیگ برتر در دروازه استقلال ایستاده، هفت بار توانسته دروازه این تیم را بسته نگه دارد و کلین‌شیت کند و منطقی نیست با چنین عملکردی دروازه‌بان یکباره نیمکت‌نشین شود. تنها انتقادی که می‌توان به سرمربی استقلال وارد دانست این است که او رفتاری کاملاً متناقض درخصوص یک اتفاق مشابه داشت و زمانی که حسینی در اوج دوران آمادگی بود، رحمتی را به او ترجیح داد و حتی در مسابقاتی که حساسیت بالایی نداشت، گلرها تعویض نشدن!

اگر مسروری به تاریخچه استقلال تهران داشته باشم موارد مشابه زیادی پیدا می‌شود که هم‌زمان دو دروازه‌بان هم‌سطح و باکیفیت حضور داشتند که در انتهای فصل یکی از آنها مجبور به ترک باشگاه شد. حضور هم‌زمان محمد محمدی و طالبلو، رحمتی و طالبلو، برومند و طالبلو و… که نکته جالب توجه پیروزی رحمتی در این‌گونه دول‌ها بوده است. با این حال حسینی پس از دیدار استقلال با نفت مسجدسلیمان جلسه کوتاهی با شفر برگزار و دلیل ناراحتی خود را بیان کرد. انتظار می‌رود فتحی که پیش‌تر موضع تندی نسبت به این موضوع گرفته بود با آرامش این مسئله را حل‌وفصل کند اما تجربه و رفتارشناسی حسینی ثابت کرده نمی‌توان زیاد امیدوار بود در صورت ادامه نیمکت‌نشینی اعتراض نکند.

ادامه از صفحه ۱۰

زوال یک دورهٔ به زعم من طلایی

...مثلاً قرار است صحنه‌ای در ماشینی فیلم‌برداری شود که گروه از صبح آماده است؛ ولی ماشین سر صحنه نمی‌آید و گروه منتظرًا ظهر ماشین پیدایش می‌شود و کارگردان باید صحنه‌ای را که یک روز گرفتنش زمان می‌برد، در مدت یک نصفه‌روز ضبط کند! بعد توقع کیفیت هم داریم! پس از چند روز همه به‌ویژه تهیه‌کننده داش می‌رود که شرایط برای کار مهیا نبوده و دست‌به‌کمر مقابل کارگردان می‌ایستد و سر تکان می‌دهد که راندمان پایین است!

مشکل شما از چه زمانی شروع شد؟

با توجه به مثال قورباغه که گفتم، دقیق نمی‌توانم مرز بین بودن این شرایط و نبودنش را تشخیص دهم. بسیار تدریجی اتفاق افتاده است. فیلم‌نامه‌ای برای شبکه یک در دوره مدیریت مهدی فرجی نوشته بودم. کارهای اداری انجام و قرارداده‌ها منعقد شد. در ابتدای پیش‌تولید مدیریت سازمان عوض شد و آمدن آقای سرفراز مصادف با شروع کار ما شد؛ همه مدیران سازمان عوض شدند و مدیر جدید که آقای تخشید بودند فیلم‌نامه مصوب ما را رد کرد؛ درست مثل خروج ترامپ از برجام. چطور می‌شود مدیر جدید سریال مصوب و قراردادبسته مدیر قبل را مردود اعلام کند؟! سه ماه دودیدم تا از آقای تخشید وقت ملاقات بگیرم تا با گفت‌وگو ماجرا را حل کنم. ایشان حتی به من وقت ملاقات ندادند. فکرش را بکنید سه ماه برای دیدن مدیر فیلم و سریال صرف کنید و نتشود؛ این هم همان مدیری که در دوره مدیریتش بر فیلم و سریال شبکه سه، جایزه بهترین فیلم را به فیلم من داده بودند. من احساس کردم رفته‌رفته وارد لیست سیاه نانوشته‌ای می‌شوم که البته درست هم فکر می‌کردم. بگذریم!

فکر نمی‌کنید که زیاد مماسات کردید. چرا در مقطعی این اتفاقات را رسانه‌ای نکردید؟

همین حالا هم که این حرف‌ها را به شما می‌گویم برای خودم عجیب و جالب است. مرحوم پدر همواره به من می‌گفت پسر جان سرت را بینداز پایین و کارت را بکن. من در طول سالیان این عبارت را به شکل مطبوع‌تری تبدیل کردم: «دل به یار و سر به کار». این روال ادامه داشت تا جایی که احساس کردم دیگر فیلم‌سازی در تلویزیون عملاً ناممکن شده است!

آیا می‌خواستند شما کارمند فیلم‌سازی شوید؟

ظاهراً وقتی در تلویزیون درباره هنر حرف می‌زنی، کار عجیبی می‌کنی. گاهی حتی وقتی با مدیران تلویزیون در این‌باره صحبت می‌کنی، نگاهشان طوری است که گویی زیانت دست‌کم شبیه اسپرانتوتس، کار برایم به جایی رسید که نتوانستم سریال آخرم را تمام کنم. این در واقع یک تصمیم مسالمت‌آمیز دوطرفه بود. پس از جداشدن از پروژه به یک برنامه تلویزیونی درباره یکی از فیلم‌هایم دعوت شدم؛ آقای مجری که خود دستی بر آتش مدیریت داشت، به‌عنوان انتقاد مبحثی را مطرح کرد که دقیقاً در همان مورد مذکور بحث ما بود؛ کیفیت. ایشان معتقد بود کارگردان باید در راستای کیفیت بجنگد. من که زخمخ خیلی تازه بود، گفتم: شاید هیچ‌کس به قدر من در این‌راستا نجنبیده باشد ولی جنگ با که و با چه و به خاطر چه چیز؟! فکر تلویزیونی ما نهایت فاصله را از هنر دارند. چون هنر اهمیتی ندارد یا دست‌کم در شرایط همیشه حساس کنونی اولویتی ندارد و من که در این راستا دگردانیش محسوب می‌شوم، نان زن و بچه‌ام را بریده‌ام و الان مطمئنم همسر و فرزندم شاید نه به زبان، ولی قطعاً در دل‌شان خواهند گفت تو پای اعتقاد و نوع نگاهت به هنر ایستادی؛ ولی به ما ظلم کرده‌ای. شاید من حق نداشته‌ام جای آن دو تصمیم بگیرم و زندگی آسوده و راحت را از آنها دریغ کرده‌ام؛ آن هم در دورانی که حرف‌هایم خریداری ندارد. روزی برای تعمیر عینکم به یک عینک‌ساز در میدان فلسطین رفتم. صاحب عینک‌سازی که مرا دید شناخت و جمله‌ای گفت که مرهمی برای زخم‌هایم بود. گفت: وقتی فیلم یا سریالی در تلویزیون می‌بینم که نام شما بر آن است خیالم راحت می‌شود که از دیدن آن ضرر نخواهم کرد. این گفته به من نشان داد خیلی هم راه را اشتباه نرفته‌ام. ولی به‌هرحال من برای این مجموعه در شرایط فعلی آدم اشتباهی هستم.

حالا می‌خواهید برای سینما فیلم بسازید؟

امیدوارم. سینما هم مدینه فاضله نیست و همان‌طور که می‌دانید، فیلم اولم «چاقی» بیش از چهار سال است که ساخته شده ولی رنگ برده به خود ندیده است. ولی دست‌کم در سینما می‌دانم برای چه می‌جنگم. همه اینها که گفتم از سر ضعف و استیصال نیست که بشنوبید و مرا دریابید که من چنین بودم و چنان؛ گفتم شاید برای کسانی مثل آن مرد عینک‌ساز مهم باشد و گفتم تا تمام شود و دری جدید و جهانی جدید گشوده شود.

در نهایت تصمیم‌تان چیست؟

پیش از هر چیز باید بتوانم آتهایی که در حقم بد کرده‌اند، ببخشم و همان‌طور که گفتم در شرایط موجود دیگر نمی‌توانم و نمی‌خواهم از آن سینه‌کش بالا بروم. شاید روزی شرایط تغییر کند. شاید روزی تلویزیون به خودش نگاهی بیندازد و بفهمد چرا به این روز افتاده است. بفهمد چرا نمی‌تواند با شبکه‌های آن‌سوی آب رقابت کند. تا آن روز می‌گوشم در سینما فیلم بسازم. اگر نشد، مثل چند وقت اخیر درس می‌دهم و می‌نویسم؛ فیلم‌نامه می‌نویسم و رمان و داستان کوتاه. باز هم نشد، به کتاب‌فروشی دوستم مشغول به کار می‌شوم که کاری فرهنگی داشته باشم؛ اگر این هم نشد باید دست همسر و فرزندی که این‌همه بهشان بدکارم، بگیرم و برویم چراکه اگر قرار باشند جایی از دنیا کاری غیر از هنر انجام دهم، ترجیح می‌دهم آنجا وطن نباشد.